



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

از جوان آرایشگر پرسیدم ماشینت را فروختی؟ گفت نه. گفتم می‌خواستی چند مدل بالاتر بخری. گفت ای بابا! بازار خودرو راکد است. در ادامه گفت اگر وضعیت خودرو سامان پیدا کند و ماشین باکیفیت و متناسب با وضعیت اقتصادی اقبال متوسط و فقیر وارد کشور شود، بخش زیادی از نارضایتی جوانان برطرف می‌شود. گفتم حالا چرا واردات؟ گفت ده‌هاهست که دولت و مردم همه جور هوای خودروسازان را داشته‌اند و با همه کاستی‌هایشان کنار آمده‌اند، اما خودروسازی در ایران نارضایتی تولید می‌کند. جوانانی مثل من که از صبح تا شب در آرایشگاه کار می‌کنند، نمی‌توانند پرایدی را که سال‌هاست از چرخه تولید خارج شده، بخرند. از من پرسید شما که استاد هستید بفرمایید چرا؟ گفتم چرا؟ چی؟ گفت: شنیده‌ام بیش از ۶۰ سال است در ایران خودرو تولید می‌شود، اما در این همه سال نه کیفیت بهتری پیدا کرده است و نه مردم رضایت دارند و قیمت‌ها هم بسیار بالاست و روز به روز همین ماشین‌های بی‌کیفیت از دسترس جوانان و خانواده‌های متوسط خارج می‌شود. دستمزد جوانان شاغل نسبتی با قیمت خودرو ندارد. وقتی ما مزیتی در تولید خودرو نداریم، چرا دولت این همه اصرار دارد که خودروی داخلی تولید شود و اجازه واردات نمی‌دهد؟ خودرو مثل تجهیزات دفاعی، دارو و کشاورزی نیست که هرطور شده باید به تولید داخلی توجه کرد و از آن برای همیشه حمایت کرد. به نظر شما این وضعیت تولیدی و قیمت خودرو تا کی باید ادامه پیدا کند؟ ادامه داد: خودرو دیگر یک وسیله مصرفی نیست. وقتی همه خودروهای صد میلیون تومانی در مدت چند دقیقه به فروش می‌رسند، می‌دانید یعنی چی؟ یعنی اینکه خودرو تبدیل شده به وسیله سرمایه‌گذاری. وسیله‌ای نه‌فقط برای حفظ ارزش پول، بلکه برای سود هنگفت. خودروی خارجی هم در این کشور وسیله‌ای برای پولدارتر شدن سرمایه‌دارها شده است. دولت که می‌داند وضعیت خودرو مدام نارضایتی تولید می‌کند، چرا کاری نمی‌کند و سیاستش را تغییر نمی‌دهد؟

آرایشگر جوان سؤال و دغدغه مهمی مطرح کرد. اگر مسئله خودرو در ایران حل شود و جوان ایرانی بتواند خودروی خوبی سوار شود، احساس تعلق و رضایت بیشتری خواهد داشت. تصور می‌کنم با استفاده از نظریه انتخاب عمومی که جیمز بوکانان، برنده جایزه نوبل اقتصاد، آن را توسعه داده است، می‌توان وضعیت خودرو را توضیح داد. این نظریه فرض خیرخواهی دولت و سیاست‌گذاران، مدیران دولتی و حتی قانون‌گذاران را به چالش می‌کشد و معتقد است سیاست‌مداران و مدیران هم مانند سایر افراد جامعه، منافع و انگیزه‌های شخصی دارند که در تصمیم‌ها و اجرای آنها بروز پیدا می‌کند. بر این اساس، تصمیم‌های سیاست‌گذاران و مدیران دولتی در حوزه خودروسازی لزوماً بر مبنای حداکثرسازی خیر و رفاه عمومی نیست، بلکه با هدف‌هایی مانند کسب رای، حفظ قدرت، نفوذ و بهره‌مندی از امتیازات اتخاذ می‌شود. براساس نظریه انتخاب عمومی، سیاست‌هایی مانند تسهیلات ارزان قیمت، حمایت انحصاری، موانع متد برای واردات خودرو و نبود رقابت همگی ریشه در منافع مدیران و سیاست‌گذاران این حوزه دارد که نسبتی با خیر عمومی ندارد. ساختار ناکارآمد تولید و عرضه خودرو و بوروکراسی معیوب در خودروسازی، نتیجه سیاست‌های مدیران دارای منافع است. در چارچوب نظریه بوکانان، کیفیت پایین خودروی داخلی و گران بودن آن نسبت به حقوق و دستمزد به دلیل ملاحظات منفعتی مدیران دولتی است. تلقی این است که آنها از توزیع امتیازات ایجادشده در این وضعیت بهره می‌برند. به همین دلیل است که خودروی باکیفیت، مقرون‌به‌صرفه و در جهت رضایت افراد جامعه نیست. دولت باید بپذیرد که وضعیت خودروسازی پس از ۶۰ سال و با انواع و اقسام حمایت‌ها، رضایت جامعه را جلب نکرده است. شاید حق با آرایشگر جوان باشد که می‌گفت تولید، توزیع و قیمت فعلی خودرو یعنی تولید و توزیع نارضایتی.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰



دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۵
۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۸ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌و‌دوم
شماره ۵۴۰۳
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: گزارش «شرق» از کوچک‌شدن خرید و فروش در بازار فناوری زیر فشار جنگ، رکود و گرانی • پیامدهای محتمل تورم / یادداشتی از احسان هوشمند

جدال عدالت، بودجه و سیاست در شورای شهر تهران

پرونده حمل‌ونقل رایگان بسته شد

گزارش تیتربک را در صفحه ۱۱ بخوانید



روایت سفری در میانه آتش بسی متزلزل که می‌تواند سرنوشت یک جنگ را تعیین کند

از پیام پاکستان تا ابهام آمریکا

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: علیرضا مصومی/ایستا

یادداشت

راز انسجام در جوامع چندصدا



افشین حبیب‌زاده

باشند، اما هم‌زمان بر سر قواعد بازی سیاسی توافق کنند. به عبارت دیگر، رقابت بر سر نتایج مجاز است اما نزاع بر سر اصل قواعد باید به حداقل برسد. بسیاری از کشورها برای حل این مسئله به مفهوم «اجماع بر قواعد» رسیده‌اند. در این چارچوب، بازیگران سیاسی ممکن است در حوزه اقتصاد، فرهنگ، سیاست خارجی یا سیاست داخلی اختلافات عمیق داشته باشند، اما بر سر اصولی مانند حفظ ثبات کشور، پذیرش نتایج قانونی رقابت سیاسی، احترام به حقوق مخالفان و پرهیز از خشونت توافق می‌کنند. این توافق حداقلی همان چیزی است که امکان هم‌گرایی در عین قطبیت را فراهم می‌کند. واقعیت آن است که در هر جامعه‌ای اکثریت و اقلیت وجود دارند. نظام‌های سیاسی معمولاً تصمیم‌گیری نهایی را به رای اکثریت واگذار می‌کنند، اما تجربه تاریخی نشان داده است که حاکمیت صرف اکثریت نمی‌تواند به‌تنهایی ضامن ثبات باشد. به همین دلیل اغلب نظام‌های سیاسی در کنار اصل اکثریت، سازوکارهایی برای حمایت از حقوق اقلیت طراحی کرده‌اند.

با این حال مسئله تنها نسبت میان اکثریت و اقلیت نیست. در بسیاری از نظام‌های سیاسی، نهادها یا مراکز قدرتی وجود دارند که خود را مسئول حفظ ثبات، امنیت یا تداوم نظم سیاسی می‌دانند و در مقاطعی در فرایندهای تصمیم‌گیری و رقابت سیاسی نقش آفرینی می‌کنند. این نقش آفرینی زمانی به تقویت انسجام کمک می‌کند که در چارچوب قواعدی روشن، قابل پیش‌بینی و مورد پذیرش عمومی انجام شود.

یادداشت

استارلینک؛ زیرساخت غیر نظامی یا هدف مشروع جنگی؟

چگونه یک شرکت خصوصی آمریکایی به یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های حقوق جنگ در قرن بیستم ویکم تبدیل شد؟



علیرضا ذفیری

وکیل پایه یک دادگستری

استدلال موافقان: استارلینک از ابزار تجاری فراتر رفته است گروهی از حقوق دانان نظامی، پژوهشگران امنیتی و متخصصان حقوق فضا معتقدند استارلینک نمونه بارز یک زیرساخت دوگانه‌کاربری است. از نگاه آنان، هنگامی که یک سامانه ارتباطی به انتقال داده‌های رزمی، هدایت پهپادها، هماهنگی عملیات ویژه و ارتباط یگان‌های نظامی کمک می‌کند، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک ابزار غیرنظامی دانست. برخی از مقالات منتشرشده در دانشکده‌های حقوق آمریکای شمالی و اروپا استدلال می‌کنند اگر یک ماهواره تجاری نقش مستقیم در تولید آثار نظامی ایفا کند، از نظر حقوقی تفاوت ماهوی با یک ماهواره نظامی ندارد. در این دیدگاه، معیار تعیین‌کننده نه مالکیت خصوصی یا دولتی، بلکه «کارکرد عملیاتی» است. در نتیجه، اگر اثبات شود بخشی از شبکه استارلینک در عملیات نظامی علیه یک کشور مشارکت مؤثر داشته است، آن بخش می‌تواند مشمول تعریف هدف نظامی مشروع قرار گیرد. این استدلال به‌ویژه پس از جنگ اوکراین در بسیاری از محافل دانشگاهی تقویت شد؛ زیرا برای نخستین بار نقش یک شرکت خصوصی در سرنوشت عملیات‌های نظامی به اندازه‌ای پررنگ شد که برخی پژوهشگران از اصطلاح «خصوصی‌سازی زیرساخت جنگ» استفاده کردند.

استدلال مخالفان: خطر فروپاشی اصل تفکیک در مقابل، بسیاری از متخصصان حقوق بشردوستانه نسبت به چنین تفسیری هشدار می‌دهند. استدلال اصلی آنان بر اصل تفکیک استوار است. استارلینک تنها یک ابزار نظامی نیست؛ میلیون‌ها کاربر غیرنظامی در سراسر جهان برای دسترسی به اینترنت، آموزش، تجارت، پزشکی از راه دور و ارتباطات روزمره به این سامانه وابسته‌اند. از این منظر، استفاده نظامی از بخشی از ظرفیت شبکه، به معنای نظامی‌شدن کل شبکه نیست. مخالفان معتقدند اگر صرف استفاده محدود نظامی بتواند کل یک زیرساخت جهانی را به هدف مشروع تبدیل کند، بسیاری از سامانه‌های ارتباطی، اینترنتی و فضایی جهان نیز بالقوه به اهداف نظامی تبدیل خواهند شد؛ نتیجه‌ای که با فلسفه بنیادین حقوق بشردوستانه در تعارض است.

از زمان تصویب کنوانسیون‌های ژنو، حقوق‌دانان بین‌المللی عادت داشتند اهداف مشروع جنگی را در قالب‌هایی نسبتاً روشن تعریف کنند؛ تاک‌ها، پایگاه‌های نظامی، فرودگاه‌های رزمی، مراکز فرماندهی و انبارهای مهمات. اما ظهور فناوری‌های فضایی تجاری، بسیاری از این مرزهای سنتی را دگرگون کرده است. امروز یکی از مهم‌ترین مباحث حقوقی مباحثات مسلحانه در دانشگاه‌های جهان، نه درباره یک پایگاه نظامی یا سامانه موشکی، بلکه درباره شبکه‌ای از ماهواره‌های تجاری متعلق به یک شرکت خصوصی آمریکایی است: استارلینک. جنگ اوکراین نخستین نقطه عطف این تحول بود. برای اولین بار در تاریخ، یک منظومه عظیم ماهواره‌ای خصوصی به بخشی از زیرساخت عملیاتی یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد. ارتباطات میدان نبرد، انتقال داده‌های شناسایی، هماهنگی پهپادها، فرماندهی و کنترل نیروها و حتی برخی عملیات‌های ویژه، به سامانه‌ای وابسته شدند که نه در مالکیت یک دولت، بلکه در اختیار یک شرکت تجاری قرار داشت. با انتشار گزارش‌ها و ادعاهایی درباره استفاده اسرائیل و ایالات متحده از ظرفیت‌های استارلینک در عملیات‌های مرتبط با ایران، این پرسش بیش از گذشته اهمیت یافته است: آیا استارلینک می‌تواند هدف مشروع جنگی محسوب شود؟

پاسخ این پرسش را باید در ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون‌های ژنو جست‌وجو کرد. مطابق این ماده، یک شیء زمانی هدف نظامی مشروع محسوب می‌شود که نخست، به دلیل ماهیت، موقعیت، هدف یا کاربرد خود، سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشد و دوم، نابودی یا بی‌اثرکردن آن در شرایط موجود، مزیت نظامی مشخص و مستقیم ایجاد کند. این تعریف، ستون فقرات حقوق جنگ مدرن است. بر همین اساس، مشروعیت هدف قراردادن یک شیء به مالکیت آن وابسته نیست؛ آنچه اهمیت دارد، نقش عملیاتی آن در محاصره است. به همین دلیل است که در حقوق جنگ، یک کامیون غیرنظامی حامل مهمات، یک ساختمان تجاری مورد استفاده برای فرماندهی عملیات و حتی یک شبکه ارتباطی غیرنظامی که در خدمت عملیات رزمی قرار گرفته باشد، ممکن است حمایت کامل غیرنظامی خود را از دست بدهد.



واکاوی چرایی و تبعات بلا تکلیفی در سیاست خارجی در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

تندروها از تنش ارتزاق می‌کنند

۲

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از رونق خرید و فروش مقاله و مدارک «ضمن خدمت» در سایه اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان

بازار سیاه «رتبه»

گفت‌وگو با علی سرتیپی، تهیه‌کننده، پخش‌کننده فیلم و مدیرعامل پلتفرم «فیلم‌نت»

پلتفرم‌ها امروز نقش دهه ۷۰ تلویزیون را بازی می‌کنند

نگاهی به اقتصاد جام جهانی ۲۰۲۶ که فوتبال را به بزرگ‌ترین صنعت دنیا تبدیل کرده است

فوتبال یا کارخانه چاپ پول؟

یادداشت

تنهایی ژئوپلیتیک سرنوشت یا انتخاب؟

تأملی بر کتاب «بر لبه تنهایی» و نسبت ایران با نظام جهانی



علی ربیعی

انتشار کتاب «بر لبه تنهایی» نوشته دکتر ولی نصر، فرصتی فراهم می‌کند تا بار دیگر درباره نسبت ایران با نظام جهانی و روایت‌های مسلط از امنیت ملی کشور تأمل کنیم. این کتاب از آن لحاظ درخور توجه است که تلاش می‌کند تصویری کلان از چرایی وضعیت ایران در محیط امنیتی و ژئوپلیتیکی ارائه دهد. حتی اگر با برخی استدلال‌های نویسنده هم‌ذهن باشیم، باید اذعان کرد که این اثر می‌تواند مسئله ایران را در بستری تاریخی و در چارچوبی مفهومی توضیح دهد؛ امری که در فضای تحلیل‌های رایج ما کمتر دیده می‌شود. به تعبیر «مهمت عاکف کوچ»، پژوهشگر برجسته ترکیه، «روایت نصر تا حد زیادی بر ارجاع به تاریخ استوار است، او با تمرکز بر بحران‌های تاریخی و نقاط عطف، نقشه ذهنی شکل‌گیری تفکر رهبران امروز ایران را ترسیم می‌کند. در این مسیر، هم ساختار نظام بین‌الملل و هم ادراک تهدید در سیاست خارجی بر بررسی کرده و شرایط داخلی و خارجی مؤثر بر تصمیم‌گیری رهبران را تحلیل می‌کند. مهمت همچنین در توصیف تمایز ولی نصر از دیگر کارشناسان خاورمیانه در غرب نوشت: «به این لحاظ، آنچه ولی نصر را از دیگر کارشناسان خاورمیانه در غرب متمایز می‌کند، این است که او نه بر مبنای تولید هراس از خلال هویت‌ها (بازنمایی ایران به‌مثابه یک هویت «غیر» در تقابل با هویت غرب)، بلکه از خلال آرگومان‌های ژئوپلیتیک و رئالیسم است که رفتار ایران را روایت می‌کند». متأسفانه با نگاه به برخی مباحثی که در رسانه‌های جریان اصلی ایران درباره وضعیت امروز کشور مطرح می‌شود، درمی‌یابیم که مبنای تحلیلی ارائه‌شده فاصله شایان توجهی با وجدان جمعی جامعه و هویت‌خواهی ایرانی دارد. در این میان، هرگونه تلاش برای صورت‌بندی یک روایت تحلیلی منسجم درباره جایگاه ایران در جهان، حتی اگر محل بحث و نقد باشند، گامی ضروری در جهت غنی‌تر شدن گفت‌وگوی فکری در جامعه ماست.

دوگانه‌ای که ذهن سیاست‌گذاران را درگیر می‌کند نخستین تأملی که مطالعه این کتاب در ذهن من ایجاد کرد، طرح یک دوگانه قابل تأمل بود: دوگانه‌ای که به نوعی می‌توان آن را چنین خلاصه کرد: «با وابسته هستی یا می‌جنگی». این گزاره اگرچه ساده به نظر می‌رسد، اما برای سیاست‌گذار و هرکسی که درباره امنیت ملی می‌اندیشد، پرسش‌های مهمی ایجاد می‌کند. آیا واقعا سرنوشت سیاست خارجی کشورها در چنین دوگانه‌ای خلاصه می‌شود؟ در طیف‌ها و همچنین گفتمان‌های سیاسی ایران امروز، می‌توان این دوگانه را شاهد بود.

این دوگانه، تأثیر زیادی در سرنوشت شرایط کشور، تصمیم برای مذاکره یا عدم مذاکره داشته است.

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه در صفحه ۶